



Modern prevention of registration crimes in line with criminal policy on economics from the perspective of jurisprudence and law

Amrollah Ahmadiania¹, Seyed Abbas Jazayeri^{2*}, Nader Pourarshad³

1. PhD Student in Criminal Law and Criminology, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Law, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.
3. Assistant Professor, Department of Law, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 135-151

Article history:

Received: 30 Oct 2021

Edition: 8 Jan 2022

Accepted: 13 Feb 2022

Published online: 26 Mar 2022

Keywords:

New Prevention, Registration Crimes, Convergence, Criminal Policy, Electronic Registration

Corresponding Author:

Seyed Abbas Jazayeri

Address:

Department of Law, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran.

Orchid Code:

0000-0001-7585-0323

Tel:

09129418101

Email:

Abbas.jazaeri@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Registration issues in courts and tribunals are one of the legal issues of the contemporary era. The present study deals with the new prevention of registration crimes with respect to convergence with criminal-economic policy in the light of Islamic jurisprudence and law.

Materials and Methods: In the present study, the method of qualitative content analysis has been used and the information has been collected through documentary and library methods.

Ethical considerations: The present study is based on ethical principles, including the careful and scientific use of research resources.

Results: Convergence of criminal policy and law drafting in the field of combating registration crimes requires accreditation of official documents, establishing law and order in the field of official documents, prioritizing official documents over ordinary, electronic notaries, and establishing awareness of Laws, instead of appeasement and the fact that different people are not aware of the law, is an important part of coping strategies in the field of registration.

Conclusion: Synergy of criminal policy measures with new methods of prevention, granting the role of prevention to those in charge of criminal policy, convergence of criminal policy with preventive measures in the stages of inspection and crime detection and support of criminal policy of prevention measures based on electronic registration of new methods of prevention Are considered a crime.

Cite this article as:

Ahmadiania A, Jazayeri SA, Pourarshad A. Modern prevention of registration crimes in line with criminal policy on economics from the perspective of jurisprudence and law. *Economic Jurisprudence Studies*. 2022; 4(1):135-151.



فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره چهارم، شماره اول، بهار ۱۴۰۱

پیشگیری نوین از جرائم ثبتی همگرا با سیاست کیفری بر اقتصاد از منظر فقه و حقوق

امراه احمدی‌نیا^۱، سید عباس جزائری^۲، نادر پورارشاد^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

۲. استادیار گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

۳. استادیار گروه حقوق، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: مسائل ثبتی در دادرها و دادگاه‌ها یکی از مسائل حقوقی دوران معاصر هستند. پژوهش حاضر به پیشگیری نوین از جرائم ثبتی با توجه به همگرایی با سیاست کیفری-اقتصادی در پرتو فقه اسلامی و حقوق می‌پردازد.

مواد و روش‌ها: در مطالعه حاضر از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است و اطلاعات نیز به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

ملاحظات اخلاقی: مطالعه حاضر با مبنا قرار دادن اصول اخلاقی از جمله استفاده دقیق و علمی از منابع تحقیق نگارش شده است.

یافته‌ها: همگرایی سیاست کیفری و تدوین قانون در حوزه مقابله با جرایم ثبتی نیازمند اعتباربخشی به اسناد رسمی، برقراری نظم و قانون در حوزه اسناد رسمی، تقدم بخشیدن به اسناد رسمی بر عادی، الکترونیکی کردن دفاتر اسناد، و مبنا قرار دادن آگاهی از قوانین به جای مماشات و اینکه افراد مختلف، به قانون آگاهی ندارند، بخش مهمی از راهکارهای مقابله با جرایم در حوزه ثبت است.

نتیجه: همپایی تدابیر سیاست کیفری با شیوه‌های نوین پیشگیری، اعطای نقش پیشگیری به متولیان سیاست کیفری، همگرایی سیاست کیفری با تدابیر پیشگیری در مراحل بازرسی و کشف جرم و حمایت سیاست کیفری از تدابیر پیشگیری مبتنی بر ثبت الکترونیکی شیوه‌های نوین پیشگیری از جرم محسوب می‌شوند.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۳۵-۱۵۱

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۰۸

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۰/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۱/۰۶

واژگان کلیدی:

پیشگیری نوین، جرایم ثبتی، همگرایی، سیاست کیفری، ثبت الکترونیک.

نویسنده مسوول:

سید عباس جزائری

آدرس پستی:

ایران، شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شهرکرد، گروه حقوق.

تلفن:

۰۹۱۲۹۴۱۸۱۰۱

کد ارکید:

0000-0001-7585-0323

پست الکترونیک:

Abbas.jazaeri@gmail.com

۱. مقدمه

افزایش کمی و همچنین پیچیده و حرفه‌ای شدن رفتار مرتکبان جرایم ثبتی، تدوین‌کنندگان سیاست کیفری و مسئولان پیشگیری از جرم را به این سمت هدایت می‌کند تا برنامه‌هایشان هم‌راستا و همگرا باشد تا میزان موفقیت آنها در پیشگیری و کنترل جرایم ثبتی افزایش یابد. اعمال همزمان تدابیر سیاست کیفری و برنامه‌های متعدد پیشگیری، این ذهنیت را ایجاد می‌نماید که در حوزه پیشگیری از جرایم ثبتی، در سطح قابل قبولی قرار داریم. اما چنین تصویری نادرست است، زیرا که عدم همگرایی بین این تدابیر و جزیره‌ای و پراکنده بودن آنها موجب شده است تا نسبت به حجم این تدابیر، مؤثر نبوده و همچنان شاهد حجم بالای ارتکاب جرایم ثبتی باشیم. با مطالعه صورت گرفته مشخص گردید که برای ایجاد همگرایی بین تدابیر سیاست کیفری و شیوه‌های نوین پیشگیری از جرم، استفاده از یافته‌های حاصل از اعمال سیاست کیفری در تدابیر پیشگیری، اعتباربخشی بیشتر به اسناد رسمی، همپایی تدابیر سیاست کیفری با شیوه‌های نوین پیشگیری، توجه به مجموعه عوامل ثبتی در تدوین سیاست کیفری، اعطای نقش پیشگیری به متولیان سیاست کیفری، همگرایی سیاست کیفری با تدابیر پیشگیری در مراحل بازرسی و کشف جرم و حمایت سیاست کیفری از تدابیر پیشگیری مبتنی بر ثبت الکترونیکی ضروری به نظر می‌رسد.

گستره ثبت و موضوعات آن در نظام حقوقی ایران، به حدی گسترده است که بخش مهمی از دعاوی

مطروحه در دادگاه‌ها، در ارتباط با مستقیم با مسائل ثبتی هستند و این حجم از مطرح شدن مسائل ثبتی، احتمال ارتکاب جرایم ثبتی را نیز افزایش می‌دهد. به همین دلیل لازم و ضروری است تا برنامه‌های پیشگیری از جرم در ارتباط با جرایم ثبتی، به طور خاص و مجزا پیگیری شود. ثبت اسناد، بخشی از حقوق ثبتی است که قراردادهای شخصی اعم از حقیقی و حقوقی را ثبت می‌نمایند و در حیطه اثبات، ایجاد و انتقال مالکیت‌ها، قراردادهای و تعهدات میان افراد کاربرد دارد (شهری، ۱۳۷۹، ۶۵). اما در حوزه حقوق ثبتی، مشکلات و چالش‌هایی وجود دارد که تحت عنوان جرایم ثبتی از آنان یاد می‌شود. به همین دلیل، هر نظام حقوقی سعی دارد تا با بهره‌گیری از رویه‌های موجود و پیشرفت‌هایی که در حوزه‌های حقوقی، فنی و تکنولوژیکی رخ می‌دهد، به مقابله با تخلفات و جرایم ثبتی بپردازد و نظم و قانون را حکمفرما کند. اما این رویه‌ها و قواعد، همواره منجر به رفع مشکلات و چالش‌های موجود در حوزه جرایم ثبتی نمی‌شوند. بنابراین به روز کردن قوانین، به روز کردن ابزارها و تکنولوژی‌ها و همچنین هم‌افزایی توان حقوقی و تکنولوژیکی از جمله عوامل مؤثری است که می‌تواند باعث کاهش جرایم ثبتی و مقابله با تهدیدهای این حوزه باشد. پژوهش حاضر درصدد است تا به پیشگیری نوین از جرایم ثبتی با تأکید بر همگرایی بپردازد که در مباحث فقهی و حقوقی داخلی نیز می‌توان ردپای آنان را جست‌وجو نمود.

۱-۱. پیشینه پژوهش

کتاب، مقالات و پژوهش‌های متعددی در حوزه جرایم ثبتی نگاشته شده است که به برخی از آثار منتشر شده در این زمینه پرداخته می‌شود:

ساجدی و همکاران (۱۴۰۰) در مقاله تحلیل جرایم جعل ثبتی و کلاهبرداری ثبتی در فضای مجازی، به این نتیجه رسیدند که از آنجا که قوانین ثبتی که ناظر بر مواد و آیین‌نامه‌های ثبتی است لذا ضرورتاً باید اصلاحاتی در همگام‌سازی قوانین ثبتی با ضروریات روز جامعه نمود، زیرا این قوانین به دلیل کهنگی بعضاً خود قوانین جرم‌زا هستند و بر ارتکاب جرایم صحنه بیشتری می‌گذارند. در کتاب چقاکی‌بودی (۱۳۹۸)، با عنوان نگاهی به جرایم ثبتی در نظام کیفری کنونی نیز با نگاهی انتقادی خواستار تطبیق قوانین گذشته با شرایط موجود و جرایم رخ داده در حوزه ثبتی است. نویسنده استدلال می‌کند که قوانین گذشته نیازمند بازنگری اساسی برای مقابله با تخلفات در حوزه ثبت و اسناد است. امیری (۱۳۹۸)، نیز در مقاله فناوری اطلاعات و سیاست جنایی بازدارنده جرایم ثبتی از منظر اخلاقی به این موضوع می‌پردازد که امروزه امکان افشا شدن اطلاعات بیش از پیش وجود دارد و بهره‌گیری از فناوری اطلاعات نیز به نوبه خود می‌تواند ابزاری برای مقابله با این تهدیدات در نظر گرفتن شود. امیری و همکاران (۱۳۹۶) نیز در مقاله مشترکی با عنوان پیشگیری از جرایم ثبتی با مشارکت جامعه مدنی، بحث پیشگیری از جرایم ثبتی را نیازمند مداخله و مشارکت مردم از جمله نهادها و ابزارهای مدنی می‌داند که با آگاه ساختن

مردم و اعطای نقش به نهادهای آگاهی‌بخش از جمله وکلا، زمینه را برای دفع خطرات ناشی از جرایم ثبتی پدید می‌آورند. جلالی و جلالی (۱۳۹۵) نیز در اثری با عنوان جرایم ثبتی مندرج در قانون ثبت و سایر قوانین موضوعه به این نتیجه رسیدند که جرایم ثبتی در قوانین داخلی تا حدودی زیادی ناظر بر تحولات و رخدادهایی است که در گذشته شکل گرفته‌اند و در حوزه قوانین نیز نیازمند جدیدی هستیم که متناسب با شرایط و تحولات روز باشد. حسین‌آبادی و همکاران (۱۳۹۴) نیز در مقاله بررسی جعل اسناد امور ثبتی در حقوق کیفری ایران و راه‌های مقابله با آن، جعل اسناد را یکی از جلوه‌های اخلال در نظام اقتصادی کشور می‌دانند که مشکلات زیادی از حیث اقتصادی و حقوقی پدید می‌آورد. نویسنده با استناد به ماده ۵۳۴ قانون مجازات اسلامی و سایر قوانین موضوعه، تقویت نگرش الکترونیکی در حوزه ثبت جرایم را مفید و کارآمد می‌داند. در کتاب نقد و بررسی جرایم ثبتی (۱۳۹۱) که توسط رضایانه نگاشته شده است در دو بخش مفاهیم و کلیات و همچنین جرایم ثبتی به مسائل، مشکلات و چالش‌های پیش روی نظام ثبتی توجه نشان داده است و با نگاهی انتقادی به آنان پرداخته است.

علاوه بر موارد فوق، پژوهش‌های متعددی دیگری نیز در این زمینه دیده می‌شوند که بررسی همه آثار از حوزه بحث حاضر خارج است. اما آنچه در اینجا محل توجه است توجه به پیشگیری نوین از جرایم ثبتی است که با مبنا قرار دادن سیاست همگرایی

در حوزه کیفری مورد بررسی و امعان نظر قرار می‌گیرد.

۱-۲. مفاهیم

۱-۲-۱. مفهوم همگرایی

مسأله‌ی همگرایی از اوایل قرن ۱۷ و به دنبال هر مناقشه‌ای که در اروپا به وقوع می‌پیوست، در اشکال متعددی برای استقرار صلح مطرح می‌گردید. جنگ جهانی اول و پیامدهای ناگوار ناشی از آن، تأثیرات منفی بر روی روحیه‌ی حامیان و طرفداران حکومت و صلح جهانی گذاشت که در این راستا آنها برای ریشه‌یابی علل جنگ‌های منطقه‌ای و جهانی به کنکاش و تکاپو برآمدند، تا با کشف و ریشه‌یابی درد، داروی مناسبی جهت آن درد تجویز کنند و آن موضوع اتحاد و همکاری میان واحدهای جداگانه سیاسی می‌باشد که از اهمیت خاصی برخوردار است. در فضای چالش‌برانگیز امروزی که با تحولات در نظریه‌پردازی همراه بوده است، همکاری و همگرایی یک استلزام اجتناب‌ناپذیر در مقوله بازدارندگی می‌باشد.

همگرایی به طور ذاتی ناشی از این است که در موضوع واحدی دو یا چند نهاد امکان دخالت و تصمیم‌گیری را دارند و شاید که هر دو یک هدف را دنبال می‌نمایند، لیکن ممکن است که جهت و سوی حرکت آنها بر یکدیگر منطبق نبوده و در نتیجه حاصل کار و تلاش موفقیت‌آمیز نباشد. همگرایی به دنبال این است که این نهادهای متفاوت ضمن شناخت و آشنایی با تدابیر یکدیگر، به طور مشترک مقصد یکسانی را در نظر بگیرند و

با تأثیر برنامه‌های هم بر یکدیگر آشنا باشند. در موضوع مورد بحث یعنی جرایم ثبتی نیز ما به دو دسته از اقدامات به طور کلی روبرو هستیم. یکی «تدابیر سیاست کیفری» و دیگری «برنامه‌های پیشگیری» که منظور از همگرایی در اینجا این است که هم متولیان این دو دسته از تدابیر که تدابیر کیفری عموماً از طریق دادسرا و محاکم کیفری اعمال می‌شود و «برنامه‌های پیشگیری» متولیان متعددی و از جمله سازمان ثبت اسناد و املاک هستند ضمن آشنایی با برنامه‌های یکدیگر و تشریک مساعی، هدف مشترکی را در نظر بگیرند.

۱-۲-۲. جرایم ثبتی

جرم ثبتی «فعل یا ترک فعل مجرمانه‌ای است که در جریان عملیات ثبتی و یا پس از آن، با نقض قوانین و مقررات راجع به ثبت اسناد و املاک ارتکاب می‌یابد.» (حسین‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴، ۴). بر این اساس، متفکران حوزه ثبتی بر این باور هستند که فقط با عنایت به قوانین می‌توان کیفرهای متناسب با جرایم را تعیین کرد و این مسأله نیز در حیطه اختیارات قانون‌گذار جامعه است (بکاریا، ۱۳۸۵، ۳۹). بدین ترتیب، جرایم، اعمالی هستند که برخلاف رویه مطرح شده در قوانین و مقررات موجود در هر کشور رخ می‌دهند و بر مبنای همان قوانین و مقررات نیازمند رسیدگی قضایی هستند.

۲. مواد و روش‌ها

در مطالعه حاضر از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است و اطلاعات نیز به شیوه اسنادی و کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

مطالعه حاضر با مبنا قرار دادن اصول اخلاقی از جمله استفاده دقیق و علمی از منابع تحقیق نگارش شده است.

۴. یافته‌ها

بر مبنای آنچه در حوزه پیشگیری از جرایم ثبتی بر اساس پیشگیری نوین دنبال می‌شود، جرایم ثبتی روز به روز در حال افزایش و پیچیدگی هستند که آثار و پیامدهای اقتصادی نامطلوبی نیز در برداشته و باعث افزایش هزینه‌ها و بروز خسارات متعدد بر افراد می‌شود. بر این اساس، نگرش نوین در حوزه جرایم ثبتی با تأکید بر همگرایی از جمله اعتباربخشی به اسناد رسمی، ایجاد سازوکار کیفی متناسب با تخلفات نوین ثبتی، آثار پیشگیرانه قابل توجهی در پی داشته که خود از حیث اقتصادی و کیفی نیز مورد توجه هستند. در تحلیل پیشگیری کیفی باید بگوییم که این نوع از پیشگیری به دلیل استفاده از قدرت و موقعیت سیستم عدالت کیفی دارای ضمانت اجرایی قوی و قطعی است و این امر می‌تواند به عنوان قوتی برای پیشگیری کیفی به حساب آید و تکنیک‌های پیشگیری کیفی بازدهی میان مدت دارند و در زمانی کمتر از پیشگیری اجتماعی بازخورد این اقدامات عاید

جامعه می‌شود. این امر حسن مهمی برای این قبیل مداخلات پیشگیرانه محسوب می‌شوند. پیشگیری کیفی کاملاً کاربردی و عمل‌گراست. مسئولان و دست‌اندرکاران سیستم عدالت کیفی به طور معمول بیشتر از اقشار دیگر جامعه دغدغه پیشگیری و کاهش جرم را دارند، چون این امر در وهله اول موجبات کاهش پرونده‌های قضایی و به دست آمدن فرصت پرداختن به مسائل ساختاری این سازمان‌ها را فراهم خواهد آورد. علاوه بر انگیزه بالا، تخصص و تجربه در زمینه مسائل و موضوعات مرتبط با بزهکاری نیز این سازمان‌ها را از حیث کارشناسی در موضع بسیار ممتازی قرار می‌دهد که به عنوان یک نقطه قدرت در امر پیشگیری به حساب می‌آید. در این گونه از پیشگیری، افراد از سر زور و ناچاری مجبور به تمکین نسبت به تدابیر پیشگیرانه می‌شوند و اختیار و آزادی انتخاب در آن‌ها وجود ندارد. به طور دقیق‌تر، قانون‌گرایی و اعتباربخشی به نظم و اسناد رسمی (به جای اسناد عادی)، تقویت نقش مردم و جامعه مدنی در امور ثبتی، همگرایی از طریق هم‌افزایی در میان نهادهایی مانند وکالت و آگاهی‌رسانی به مردم و درک این مسأله که جهل افراد مانع مسؤلیت‌پذیری آنان نیست، می‌توان رویکرد جدیدی در حوزه پیشگیری نوین از جرایم ثبتی پدید آورد.

۵. بحث

۵-۱. راهکارهای پیشگیری از جرایم ثبتی

با توجه به فناوری‌های جدید ارتباطات و اطلاعات و امکان بهره‌مندی و استفاده از آن در نظام ثبتی، ضرورت بهره‌گیری از آن در حوزه ثبت، امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. البته با تأکید بر این نکته که استفاده از فناوری برای ثبت الکترونیکی نیازمند فراهم نمودن بسترهای لازم در حوزه قانون‌گذاری و انتخاب و استفاده از فناوری‌های مناسب است. نکته مهم این است که شیوه‌های نوین پیشگیری بایستی در نهایت و در صورت نقض به همان نحوی که تدابیر سنتی مورد حمایت سیاست کیفری بوده‌اند، آنها نیز مورد حمایت باشند. مفهوم همگرایی نیز در صدد جمع بین پیشگیری و حمایت کیفری است.

علاوه بر این، ثبت الکترونیکی، استفاده از وسایل ارتباطی به منظور ثبت اسناد می‌باشد. از این فناوری می‌توان برای ثبت تمام اسناد بهره جست. برای درک مفهوم ثبت الکترونیکی با توجه به نبود تعریف مشخص در قوانین و مقررات، می‌توان از ماده ۳۱ و ۳۲ قانون تجارت الکترونیکی در این خصوص استفاده نمود. به موجب ماده ۳۱ قانون تجارت الکترونیکی: «دفاتر خدمات صدور گواهی الکترونیکی واحدهایی هستند که برای ارائه خدمات صدور امضای الکترونیکی در کشور تأسیس می‌شوند. این خدمات شامل تولید، صدور، ذخیره، ارسال، تأیید، ابطال و به روز نگه‌داری گواهی‌های اصالت (امضای الکترونیکی) می‌باشد» (اسدی، ۱۳۹۱، ۶۵). با این حال در این حوزه نیز تخلفات

و جرایم نیز دیده می‌شوند. زیرا در هر شرایطی نمی‌توان از نقش آگاه و فعالانه افراد اعم از افراد عادی و یا دست‌اندرکاران حوزه ثبت اسناد غفلت ورزید. به علاوه اینکه، ناآگاهی و جهل نسبت به قوانین نیز می‌تواند باعث بروز جرم و تخلف در حوزه ثبت اسناد گردد.

جهت مقابله با این تهدیدات و تخلفات، نیازمند قوانین منجسم در حوزه دادرسی و رسیدگی به جرایم هستیم. دادرسی کیفری به عنوان تدابیر شکلی و رسیدگی سیاست کیفری، از مرحله کشف جرم شروع شده و تا اجرای مجازات ادامه دارد. یکی از مهم‌ترین مواضع برای اعمال همگرایی بین تدابیر سیاست کیفری و تدابیر پیشگیری از جرم، مراحل بازرسی و احتمالاً کشف تخلف و جرم است. ضمن اینکه بخش مهمی از جرایم ثبتی توسط مجریان امر ثبت صورت می‌پذیرد. کارکنان ادارات ثبت اسناد و املاک و دفاتر اسناد رسمی در این زمره قرار می‌گیرند. به همین دلیل و برای پیشگیری از این امر، نظارت و بازرسی‌هایی برای این اشخاص در قوانین و مقررات پیش‌بینی شده است. یکی از مهم‌ترین مسائل این است که ضمن همگرایی تدابیر سیاست کیفری با تدابیر پیشگیری، هدف اولیه پیشگیری مورد توجه بازرسان و ناظران قرار گیرد. به عنوان مثال در مورد دفاتر اسناد رسمی «بازرسان در بازرسی‌های خود، جنبه ارشادی را به خصوص در مورد دفاتر جدید فراموش نکنند (تقی‌پور بیرگانی، ۱۳۹۱، ۱۰۴) یعنی تنها هدف آنها این نباشد تا تخلف یا جرمی را احراز کرده و نسبت به گزارش آن اقدام نمایند، بلکه در صورت

علم به حکم ندارد ولی احتمال حرمت می‌دهد، اما هیچ کوششی برای دانستن آن حکم نمی‌کند، جهل وی مانع مسؤولیتش نیست (موسوی خمینی، ۱۳۹۰، ۲، ۴۵۶). با توجه به همین رویکرد فقهی و حقوقی، در امر جرایم ثبتی، هر فرد مجرم و متخلفی با استناد به اینکه از قانون مطلع نبوده، خواستار عفو و گذشت از تخلف صورت گرفته است. نمونه این موضوع در مورد انتقال خودرو به یکی از ورثه اتفاق می‌افتد و فرض کنید که یکی از ورثه در خارج از کشور است و به صورت تلفنی به ورثه دیگر اجازه می‌دهد تا در دفترخانه حضور یافته و خود را به جای وی معرفی کرده و سند را امضاء نماید و انتقال صورت پذیرد به تصور اینکه عمل وی جرم نیست. اضطرار، وضع مالیات سنگین، مقررات نامناسب، انگیزه‌های سیاسی و حتی در مواردی انگیزه‌های مثبت را می‌توان در این خصوص و از طریق مطالعه سیاست کیفری قضایی متوجه شد. پس نباید تصور کرد که همیشه انگیزه‌های مادی و مالی در ارتکاب جرم جعل سند رسمی وجود دارد. توجه به علل و انگیزه‌های ارتکاب جرایم ثبتی در تدوین تدابیر پیشگیری از جرایم ثبتی لازم و ضروری است و این دقیقاً به معنای همگرایی تدابیر پیشگیری و تدابیر سیاست کیفری در مقابله با جرایم ثبتی است. با شناخت این علل و انگیزه‌ها که از مطالعه سیاست کیفری در مرحله رسیدگی قضایی حاصل می‌شود، می‌توان تدابیر پیشگیری از جرایم ثبتی را به روز کرد.

مشاهده نقص یا ایرادی که احتمالاً در آینده تخلف یا جرمی از آن حادث می‌شود، نسبت به ارشاد و راهنمایی لازم اقدام نمایند.

۵-۲. شیوه‌ها و مصادیق پیشگیری نوین از جرایم ثبتی

مصادیق پیشگیری نوین از جرایم ثبتی، نیازمند بررسی مجموعه عوامل فنی و عملی از سوی دست‌اندرکاران نهادهای ثبتی از یک طرف و فعال کردن نهادهای مدنی و واسطه و به تبع آن مشارکت دادن مردم در نظارت و آگاهی داشتن از تخلفات و جرایم ثبتی از سوی دیگر است. در اینجا به برخی از مصادیق آنان اشاره می‌شود.

۵-۲-۱. ایجاد همگرایی از طریق استفاده از یافته‌های حاصل از اعمال سیاست کیفری در تدابیر پیشگیری

یکی از راه‌های مهم ایجاد همگرایی بین تدابیر نوین پیشگیری و سیاست کیفری این است که در تدابیر پیشگیری به یافته‌های حاصل از اعمال تدابیر سیاست کیفری توجه شود. یعنی در موارد متعددی مرتکبین جرم جعل سند رسمی به دلیل جهل و تصور اینکه رفتار آنها جرم نیست، مرتکب چنین رفتاری شده‌اند. برخی بر این باور هستند که پیش‌فرض قانون می‌بایست بدین صورت باشد که پس از انقضاء مدت تعیین شده از انتشار قانون، افراد نسبت به آن آگاه هستند (کاتوزیان، ۱۳۷۷، ۱۹۹). این رویه حقوقی ریشه در این نگاه فقهی دارد که در برخی شرایط از جمله اینکه کسی که

۵-۲-۲. ایجاد همگرایی از طریق اعتباربخشی بیشتر به اسناد رسمی

در حال حاضر از بخش مهمی از ظرفیت اسناد رسمی به خصوص در مواردی که مرتبط با نظام عمومی است، استفاده نمی‌شود (پنجتینی، ۱۳۹۱، ۲). همین مسأله نیز چالش‌های حقوقی متعددی را پدید آورده است. برای پر کردن این خلأ می‌توان به متون فقهی مراجعه نمود که اسناد امضاء شده و حکم اقرار کتبی را بر هر مورد دیگری از جمله شهادت برتری بخشیده و حتی ارزش اثباتی آن را از شهادت نیز بالاتر دانسته‌اند و در مقام تعارض پیدا کردن سند با شهادت، بر اعتبار سند صحه گذاشته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ۷۴). هرچند در مباحث فقهی به صورت مستقل و مبسوط، بحث اعتبار اسناد رسمی مورد توجه نبوده است، اما هرگز بر بی‌اعتباری آن تأکیدی نشده است. به عبارت دیگر، اعتبار داشتن اسناد رسمی به عنوان امری که در پرتو تحولات زمانه بررسی می‌شود، محل توجه است.

مبحث فوق می‌تواند مورد توجه تدابیر سیاست کیفری نیز قرار گیرد. در حالی که تلاش‌های صورت گرفته برای پیشگیری از جرایم ثبتی در قالب توجه و اهمیت دادن به اسناد رسمی است، شاهد این هستیم که تدابیر کلی سیاست کیفری در تقابل با این رفتار است و محاکم کیفری با اهمیت دادن بیش از حد به اسناد عادی، در عمل، رویه معتبر بودن اسناد عادی را ایجاد و ترویج کرده و در عمل تدابیر پیشگیری از جرایم ثبتی در حوزه اسنادی که لزوماً باید ثبت شوند، را خنثی می‌نماید.

به نظر می‌رسد که در وهله اول بایستی قلمرو اسنادی که لزوماً بایستی ثبت گردند و ثبت آنها اجباری باشد، بایستی افزایش یافته و از طرف دیگر سیاست کیفری باید به نحوی باشد که در موارد ثبت اجباری اسناد، به هیچ عنوان اعتبار اسناد عادی مورد پذیرش قرار نگیرد. ضمن اینکه از منظر فقهی می‌توان برای اعتباربخشی هرچه بیشتر به اسناد رسمی کوشش نمود. از جمله اینکه برای کاتب (اسناد رسمی) صفاتی از جمله: عاقل بودن، مسلمان بودن، عادل بودن ضروری دانسته شده است (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۷۶). این رویکرد موجود در فقه نشانگر در نظر گرفتن شرایط و معیارهای لازم برای کسانی است که در حوزه ثبت اسناد فعالیت می‌کنند و با دارا بودن شرایط موجود و البته با مبنا قرار دادن سازوکارهای قانونی می‌توان نقش قابل توجهی در پیشگیری از تخلفات و جرایم ایفا نمود.

۵-۲-۳. همپایی تدابیر سیاست کیفری با شیوه‌های نوین پیشگیری

از دیدگاه دانش حقوق، هرگاه صحبت از «حق» به میان می‌آید، «تکلیف» نیز مطرح است. و نیک می‌دانیم که نه فقط تضمین‌کننده حقوق شهروندی بلکه تأمین‌کننده آن نیز دولت به معنای حاکمیت است. از طرفی دیگر، با ورود به عصر فناوری اطلاعات، تجهیز دفاتر اسناد رسمی به ابزار نوین خدمات‌رسانی، خصوصاً با رویکرد جهانی و ورود به بازارهای بین‌المللی تجارت و انجام معاملات در فضای مجازی و عرصه غیرحضور، ضرورتی

انکارناپذیر می‌نمایند (تاجگر، ۱۳۹۳، ۲). در این رویه جدید، فقه و حقوق اسلامی نیز باید به نحوی مطرح شوند که توانایی پاسخگویی به مسائل و شرایط جدید را نیز داشته باشند. در زمینه قراردادهای نیز باید گفت که در آیه شریفه «وفوا بالعقود» نیز حاکمیت عمل و تعهد به قراردادهای مورد تأکید قرار گرفته است و این تعهدات برای طرفین تعهدات و معاملات نیز لازم‌الاتباع است. بدین معنا که در آیه شریفه مزبور، الف و لام، عهدی تلقی شده است که جمع عقود را محدود به عقود شناخته شده در همان عصر می‌کند (شهیدی، ۱۳۷۱، ۶۴). البته باید به این نکته اشاره کرد که ریشه اعتبار عقود معاملات از نظر فقهایی نظیر امام خمینی (ره)، نه صرف تأسیس شارع مقدس، بلکه عرف و عادت نیز هست و هر ایجاد عقدی را نیز ملزم به رعایت مفاد آن دانسته‌اند (آناهد و آیتی، ۱۳۹۴، ۱۶). این رویکردها به معنای سازگاری فقه و حقوق اسلامی با شرایط جدیدی است که در معاملات و تعهدات در هر عصری رخ می‌دهند و بر مبنای همین تحولات نیز می‌توان رویکردهای کیفی را برای جلوگیری از تخلفات و جرایم در نظر گرفت. به عبارت دیگر، پذیرش تعهدات و ملزومات آن در هر عصری، لاجرم به معنای پذیرش شرایط و معیارهای جدیدی برای اتخاذ رویکردی کیفی در همان زمینه است. همین نگاه، کافی بود تا «ثبت آنی اسناد» از متن مقرراتی همچون بند و ماده ۴۶، بند ب ماده ۴۸ و بند م ماده ۲۱۱ قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران و نیز بند ج ماده ۱۲ قانون

ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد و همچنین مفاد ماده ۳۷ قانون مدیریت خدمات کشوری، بروز و ظهور اجرایی پیدا نموده و حاکمیت، در ارائه خدمات حقوقی به جامعه، به هر ترتیب، یک نوع جهش افقی - عمومی داشته باشد و به تعبیری، پیشرفتِ رو به جلو و ترقی رو به بالا را به نام خود، در تاریخ حقوق ایران، ثبت و ضبط نماید.

بند ج ماده ۱۲ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد به عنوان یکی از مستندهای قانونی اجرای ثبت الکترونیک اسناد مقرر می‌دارد؛ سازمان ثبت اسناد و املاک کشور موظف است: «طرف یک سال شبکه و پایگاه اطلاعاتی مشترک بین دفاتر اسناد رسمی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور را راه‌اندازی نماید، به نحوی که ثبت و تبادل کلیه وقایع دفاتر اسناد رسمی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور از طریق نظام متمرکز مذکور تسهیل گردد.» و این در حالی است که به هر ترتیب، ثبت آنی، عملیاتی شد اما دست‌کم تاکنون، شبکه و پایگاه اطلاعاتی مشترک بین دفاتر اسناد رسمی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، به معنای صحیح و واقعی آن راه‌اندازی نشده و به هیچ روی نه می‌توان پذیرفت که نظام متمرکز به منظور ثبت و تبادل کلیه وقایع دفاتر اسناد رسمی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، استقرار یافته و نه حتی امکان تبادل وقایع حقوقی و خدمات شبه قضایی انجام گرفته در دفاتر اسناد رسمی و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور تسهیل یافته است. و اجرای قانون به نحو ناقص و در مسیر نادرست، به یقین،

آنی مجازات شدیدتری را در نظر بگیرید، زیرا که مرتکب علاوه بر جعل سند، در واقع سیستم ثبت آنی را به نحوی دور زده و تمامی تلاش‌های صورت گرفته در این خصوص را به سخره گرفته است و مستحق برخورد شدیدتری است. عدم همپایی و همگرایی بین شیوه نوین پیشگیری و تدابیر سیاست کیفری به خوبی مشهود است. به عبارت دیگر باید بین پیچیدگی تدابیر پیشگیری و ضمانت اجرای کیفری موارد نقض آن رابطه مستقیمی وجود داشته باشد و این همان مفهوم دقیق همگرایی است که در ارتباط با سیستم ثبت آنی این موضوع وجود ندارد.

۵-۲-۴. لزوم توجه به مجموعه عوامل ثبتی

در تدوین سیاست کیفری

هر رفتاری که از حاکمیت سر می‌زند، لزوماً و بالضرورة بایستی محصول "قانون" باشد. این موضوع در فقه اسلامی نیز محل توجه است. درباره تدوین سیاست کیفری نیز همین رویه جاری است. یعنی در مجموعه قوانینی که برای اداره جامعه به کار می‌رود، علاوه بر الزام شرعی، الزام قانونی نیز دیده می‌شود که در حیطة اجرای احکام دنبال می‌شود (محمصانی، ۱۳۷۱، ۳۴۳). با این حال در گذار از فقه به قانون، موارد متعددی از جمله مصلحت عامه و اهداف حکومت اسلامی نقش بسیار مهمی دارند (صفایی، ۱۳۹۴، ۲۱۱). خاصیت قانون آن است که باعث ایجاد نظم شده و حقوق و تکالیف افراد و نهادهای حقوقی را نیز روشن می‌نماید. بر

احتمال وقوع جرایم سازمان‌یافته را افزایش می‌دهد. به عنوان نمونه سامانه استعلام اصالت سند که در وضعیت حاضر هم برای عموم مردم و هم برای دفاتر اسناد رسمی در دسترس است، با درج شماره سند رسمی و رمز تصدیق آن، اصالت یا عدم اصالت سند را نشان می‌دهد، لیکن همین موضوع به محلی برای ارتکاب گسترده و حتی سازمان‌یافته جرم جعل اسناد رسمی گردیده است. حداقل این است که سامانه باید علاوه بر اصالت اصل سند، محتویات سند را حداقل برای سردفتر مربوطه نشان دهد که در محتویات سند تغییری ایجاد نشده باشد. در نتیجه امکانات ثبت آنی نه تنها مانعی برای ارتکاب جرم جعل سند رسمی نشده است، بلکه فقط منجر به تغییر شکل و شیوه رفتار مرتکبین شده است. فقدان همگرایی بین تدابیر سیاست کیفری و شیوه‌های نوین پیشگیری از جرم را به خوبی در این مقوله می‌توانیم مشاهده کنیم. در حالی که سیستم ثبت آنی به دنبال این است که از ارتکاب جرم جعل سند رسمی جلوگیری نماید، با توجه به خلاءهایی (باگ‌ها) که در این سیستم وجود دارد، مجرمین به طور عملی در مواردی این سیستم را دور زده و مرتکب جرم جعل سند رسمی می‌شوند و پرونده‌های مطروحه در دادگاه از این نوع بسیار فراوانند، در حالی که مجازات مرتکبین این جرم همان مجازات جاعل سنتی و کلاسیک است، به نظر می‌رسد که سیاست کیفری در این خصوص همگرا با تدابیر پیشگیری نمی‌باشد و توقع و انتظار می‌رود که سیاست کیفری برای مرتکبین جرم جعل در سیستم ثبت

مبنای همین مجموعه حقوق است که روابط اجتماعی نظم می‌یابد و به پیش می‌رود.

حقوق دانان بر این باورند که نظم حاکم بر جامعه است که به روابط اجتماعی و حقوقی هر گروه و جمعیتی، با رعایت مصالح اجتماعی و عرف مستقر در آن گروه و جمعیت، انتظام می‌بخشد. این گرایش آدمیان به نظم است که آنچه در روابط حقوقی مردم، عرف می‌شود، همان نگاه حاکم بر نظم و عرف، بر آن، لباس "قانون" می‌پوشاند. گزاره سخن نیست اگر بیان شود که هر رفتاری که از حاکمیت سر می‌زند، لزوماً و بالضروره بایستی محصول "قانون" باشد. امروزه، قانون‌گریزی و قانون‌گرایی، دو نقطه‌ی آغازین حرکت جامعه به سوی حاکمیت و برعکس، تلقی می‌شود. به این معنا که هر چقدر رفتار حاکمیت، قانون‌گرایانه باشد، از رفتار قانون‌گریز افراد انسانی آن جامعه، کاسته می‌شود، اما از وجود رفتارها، کنش‌ها و واکنش‌های غیرقانونی جامعه نمی‌توان به قانون‌گریزی حاکمیت، حکم داد. چرا که صرف قانون‌گرا بودن سیاست‌گذاران و حتی بدنه‌ی اجرایی حاکمیت، کافی برای نیل به مقصود یعنی داشتن جامعه‌ای قانون‌گرا نیست. به نظر می‌رسد وجود سومی لازم است تا بتواند فاصله‌ی بین حاکمیت قانون‌گرا و جامعه‌ی قانون‌گریز را کم نماید و موجب افزایش گرایش جامعه به سوی اجرای صحیح قانون شود. به یقین، این خلا، پر نمی‌شود، مگر با ابزار قانونی.

برخی صاحب‌نظران، معتقدند که عرف و نیاز عرفی جامعه است که متولیان امر حاکمیت را به وضع یا

اصلاح قانون رهنمون می‌سازد. بنابراین، فرض حقوقی این است که نه فقط در مقام وضع بلکه در مقام اصلاح قانون نیز باید با صاحبان عرف که خاستگاه اجتماعی و رستگاه حقوقی آن موضوع را شکل می‌دهند، به نحو اختصاصی و تخصصی، مشاورت نمود تا در مقام اجرا، نگاه عمل‌گرای جامعه‌ی مخاطب قانون، به قانون‌گرایی نزدیک‌تر باشد و از قانون‌گریزی با تمام توشه و توان پرهیز نماید (دستی اردکانی، ۱۳۹۱، ۸) و این، اصل گریزناپذیر قانون‌نویسی امروزی است. بر مبنای همین رویکرد قانونی و پیوند گرفته با عرف و مصالح جامعه، نهادهایی همانند مجلس شورای اسلامی، همچون دیگر سازمان‌های سیاست‌گذار، پیش از اتخاذ هرگونه تصمیم درباره‌ی مقررات حاکم بر نظام ثبتي کشور، با کارشناسان و متخصصان امر در حوره ثبتي و از جمله سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و جامعه سردفتری، مشورت تخصصی نماید و قوانین لازم را در این باره اتخاذ نمایند. رویکرد مشخصی که باید در این زمینه اتخاذ شود، بهره‌مندی از راهکارهایی است که بتواند در حوزه پیشگیری نوین کارآمد باشد. طراحی، تولید و استقرار سامانه‌های استعلام الکترونیکی، سامانه الکترونیکی خلاصه معامله نرم‌افزارهای تحت وب و مدیریت املاک، نرم‌افزار تعیین تکلیف وضعیت ثبت اراضی و استقرار فناوری نیز از جمله عوامل محسوب می‌شوند (رضایانه، ۱۳۹۱، ۱۰۸). در واقع تأکید بر مجموعه قوانین به معنای نگرش نوین به مسائل و مشکلات حوزه ثبت است که امروزه نیز به طور مشخص، رویکرد

الکترونیکی را در پیش گرفته است. این تأکید بیش از هر چیز تحت تأثیر مسائل و مشکلات جدیدی است که در حوزه مسائل ثبتی رخ می‌دهد و با قوانین سنتی و گذشته نمی‌توان با مشکلات جدید مقابله نمود.

۵-۲-۵. پیشگیری از طریق مشارکت دادن

مردم در سیاست کیفری

در روند تحول حقوق کیفری و به تبع آن، نظام عدالت کیفری، شاهد حضور، شکل‌گیری و طرح اندیشه‌های نوینی در مقابله با نقض هنجارهای اجتماعی هستیم. همپای ناکارآمدی نظام سنتی عدالت کیفری که مبتنی بر سزادهی است، مقابله با جرم از طریق روش‌های پیشگیرانه، بیش از پیش، مورد توجه قرار گرفته است. رویکرد سزادهی نسبت به جرم، دارای فواید اندک و محدودیت‌های فراوانی است و در مقابل راهبردها و سیاست‌های پیشگیرانه از جرم، دارای تنوع و مزایای وافری می‌باشد. تقدم پیشگیری بر درمان، از آن جهت حائز اهمیت است که پیشگیری، در سالم نگه‌داشتن فرد و اجتماع، نقش سازنده‌ای را ایفا می‌کند و به مراتب، آسان‌تر و کم‌هزینه‌تر از درمان می‌باشد و از طرفی، ارتکاب جرم، آثار و تبعات زیان‌باری را بر مجرم و جامعه وارد می‌آورد و هرچند که بتواند مجرم را متنبه سازد و عبرت دیگران را در پی داشته باشد، لیکن به هیچ‌وجه نمی‌تواند آثار و تبعات جرم را جبران کرده و فرصت‌ها و حرمت‌های از دست‌رفته را باز یابد و مجرم و جامعه را به جایگاه قبل از وقوع جرم بازگرداند (شیدائیان و نادری‌فرد، ۱۳۹۱، ۲۸).

به عنوان نمونه نهاد وکالت که تاکنون در مرحله درمان جرایم ایفاگر نقش بوده و بیشتر در بعد سیاست کیفری به آن توجه شده است، دارای بعد پیشگیرانه نیز می‌باشد که مغفول مانده است. وکیل با گسترش کارکردها می‌تواند در قالب پیشگیری اجتماعی و توسعه عدالت ترمیمی، نقش‌های جدیدی را بر عهده بگیرد (شیدائیان و نادری‌فرد، ۱۳۹۱، ۲۹). اهمیت این امر در جایی آشکار می‌شود که بدانیم، نهاد وکالت می‌تواند به‌عنوان یک نهاد مدنی بر فرایندهای بروز بزه تأثیرگذار بوده و همانند سدی در مقابل فکر و انگیزه مجرمانه عمل کند؛ هم‌چنین در مرحله دادرسی، ناظر به بعد از ارتکاب جرم، وکیل با سوق دادن دعوا به سمت عدالت ترمیمی، می‌تواند زمینه پیشگیری از تکرار جرم را فراهم آورد؛ چرا که در خلال فرایندهای عدالت ترمیمی، ریشه و علل ارتکاب جرم آشکار می‌شود. در نتیجه، امکان اصلاح و درمان مرتکب، فراهم آمده و این مسئله می‌تواند پیشگیری از جرم را به همراه داشته باشد. بنابراین، وکیل، قطعاً در پیشگیری از ارتکاب جرم و در نتیجه، کاهش جرم، نقش به‌سزایی دارد.

علاوه بر مورد فوق، آگاهی مردم نقش زیادی در کاهش آسیب‌های اجتماعی ایفا می‌کند. راه‌های جلوگیری از رشد میزان جرایم و ناهنجاری‌های اجتماعی زیاد است. در این میان، آگاهی دادن و بیدارسازی جامعه، اهمیت زیادی در پیشگیری اجتماعی دارد. بسیاری از بزه‌دیدگی‌ها و بزهکاری‌ها، ناشی از جهل و کمبود آگاهی مردم از چگونگی انجام مناسبات و روابط حقوقی است. بر

چنین به طرق مختلفی از جمله آموزش مسایل حقوقی و در امور تخصصی تر با اقدام از طرف موکلین خود می‌تواند در این راستا، گام مثبتی بردارد.

مردم از طریق وکیل، راه‌های حفظ اموال و حقوق خود و نحوه استفاده قانونی از آنها را آموخته و یاد می‌گیرند که چگونه قراردادهای خود را سامان دهند و مناسبات حقوقی خود را برقرار سازند، از خطرات ناشی از اقدام غیرقانونی دیگران در امان باشند و می‌آموزند که در مواجهه با رفتار خلاف قانون دیگران، چگونه از خود دفاع کنند. بر این اساس، نوعی هماهنگی بین نهادهای رسمی جامعه از یک سو و مشارکت نهادهای مردمی از سوی دیگر، ضروری است (فهیمی، ۱۳۸۹، ۸۷). بر مبنای همین رویکرد، اگر استفاده از وکیل در جامعه عمومیت پیدا کند، مردم با اطمینان بیشتری اقدامات حقوقی روزمره خود را پی می‌گیرند. در واقع، همان‌طور که مردم برای درمان و پیشگیری از بیماری به پزشک و روانشناس مراجعه می‌کنند، برای پیشگیری از جرایم و درمان امور حقوقی و جزایی خود نیز به وکیل نیاز دارند. در این مقاله، نقش وکیل را در قالب پیشگیری اجتماعی پی می‌گیریم؛ از این جهت که وکیل می‌تواند در حذف یا محدود کردن عوامل جرم‌زا نقش داشته باشد.

۶. نتیجه

پیشگیری نوین از جرایم مثبتی شامل مجموعه عواملی است که در یک نگاه کلی می‌توان به جنبه‌های فنی و تکنولوژیکی از یک طرف و

مبنای همین رویکرد است که از سیاست جنایی مشارکتی نیز سخن به میان آورده می‌شود که به معنای مسؤولیت‌پذیر کردن و آگاه کردن مردم از روند امور است. این موضوع در فقه با عنوان «کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتة» (هر کدام از شما مسؤول هستید و درباره افرادی که به سخن شما گوش می‌دهند بازخواست خواهید شد) (مجلسی، ۱۳۸۶، ۷۲، ۳۸). حدیث ذکر شده علاوه بر جنبه مسؤولیت‌پذیری در امور مختلف، موضوع مشارکت و نقش‌آفرینی مردم را در عین مسؤولیت‌پذیری مورد توجه قرار می‌دهد. مقصود این است که بیان شود مسؤولیت‌پذیری، مشارکت و نقش‌آفرینی مردم در امور مختلف، مبنای فقهی دارد. همچنان که در این خصوص سخن مرحوم صاحب جواهر الکلام جالب توجه است که می‌گوید: «همه شیعیان عالم به احکام وقتی برابر موازین فقهی عمل کنند خواه مجتهد باشند یا نه، مجازند تا در تمام اموری که معصوم حق دخالت داشته دخالت نمایند» (نجفی، ۱۳۶۷، ۴۰، ۱۹-۱۸). در هر صورت پیامد این رویکرد، بیدار کردن حس مشارکت و مسؤولیت‌پذیری در میان مردم جامعه و تمایل آنان به سمت مشارکت و تعاون است.

امروزه مسأله مشارکت از طریق نقش‌آفرینی نهادهای مدنی قابل حصول است. در زمینه جرایم مثبتی، نهادهای مدنی و مردمی در قالب نهادی به نام وکالت موضوعیت پیدا کرده است. به بیان دیگر، یکی از نهادهایی که در رفعاين جهل مؤثر است، نهاد وکالت است؛ وکیل در قالب‌های متعددی از جمله وکیل خانواده و کلینیک‌های حقوقی و هم

پیشگیری از جرایم ثبتی دارند که در سیاست کیفری و از جمله در فقه و حقوق اسلامی نیز دارای مبانی و مؤلفه‌های مربوط به خود هستند. اصول مسؤولیت‌پذیری، نظم، قانون‌گرایی، تحول بر مبنای رخدادهای تازه و پاسخگویی از طریق احکام شرع و یافتن مبنای قانونی و حقوقی، همواره در فقه و حقوق اسلامی یافت می‌شوند که شاکله نظام همگرایی را نیز تشکیل می‌دهند.

۷. سهم نویسندگان

نویسنده مسؤول، عهده‌دار مطالب انتشار یافته از مقاله حاضر است و نویسندگان نیز به صورت برابر در نگارش مقاله حاضر نقش داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در مقاله حاضر تضاد منافی وجود ندارد.

جنبه‌های مشارکتی و مدنی از طرفی دیگر توجه نشان داد. رویکرد اولی آن است که در حوزه جرایم ثبتی به دلیل مباحث فنی و جزئیات اثرگذاری که در این حوزه رخ می‌دهد، جهل افراد در ارتباط با اسناد، ناآگاهی و بی‌اطلاعی از جرایم رخ داده را به مثابه عملی سهوی تلقی ننماییم و آن را به حال خود رها نکنیم. این مسأله چنان که دیدیم مبنای فقهی دارد که انسان می‌بایست مسؤولیت اعمال و پیامدهای خود را بپذیرد و در عرصه حقوقی نیز طرفدارانی دارد که به معنای آن است که جهل در امور ثبتی به معنای رافع مسؤولیت‌پذیری نیست. در این زمینه باید نگاه قانون‌گذار با صراحت و مبتنی بر این فرضیه باشد که افراد از اعمالی که در این حوزه رخ می‌دهد، مطلع هستند. اعتبار بخشیدن به اسناد رسمی گام دیگری است که البته به معنای نادیده گرفتن اسناد عادی نیست. اما برای پیشبرد امور و جلوگیری از اغتشاش عملی در حوزه مسائل ثبتی نیازمند آن هستیم تا با رویکردی قاطعانه، اسناد رسمی را اعتبار بخشیده و از مسائل و مشکلات حوزه ثبتی نیز جلوگیری به عمل آورده شود. بخش دیگری از پیشگیری نوین در واقع به نقش و تأثیرگذاری مردم و مشارکت آن در قالب نهادهای مدنی از جمله وکالت است. در این رویه، وکلا با استفاده از ابزارهای مختلفی که در اختیار دارند، مردم و عموم جامعه را از خطرات و مسائل مرتبط با حوزه جرایم ثبتی مطلع ساخته و هشدارهای لازم را نیز می‌دهند. این امر در کنار الکترونیکی کردن اسناد رسمی و الکترونیکی کردن روند اداری در حوزه جرایم ثبتی نقش مهمی در

منابع

- آنایید، فاطمه، آیتی، محمدرضا، «بررسی اعتبار سند، از دیدگاه فقه و حقوق»، فصلنامه فقه و مبانی حقوق اسلامی، سال هشتم، شماره بیست و چهار، ۱۳۹۴.
- اسدی، محمدمهدی، «بررسی جایگاه حقوقی ثبت الکترونیکی»، مجله کانون سردفتران، ماهنامه خبری و تحلیلی در زمینه علوم انسانی، نشریه علمی - تخصصی حقوق، سال پنجاه و پنجم، دوره دوم، شماره صد و سی و چهار و صد و سی و پنج، ۱۳۹۱.
- بکاریا، سزار، رساله جرایم و مجازات، ترجمه محمدعلی اردبیلی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۵.
- پنجتنی، محسن، «سند رسمی و نظم عمومی»، مجله کانون سردفتران، ماهنامه خبری و تحلیلی در زمینه علوم انسانی، نشریه علمی - تخصصی حقوق، سال پنجاه و چهارم، دوره دوم، شماره صد و سی و یک، ۱۳۹۱.
- تاجگر، رضا، «ضرورت تنقیح قوانین راجع به حقوق سردفتری»، ماهنامه کانون، دوره پنجاه و ششم، شماره صد و پنجاه و پنج، ۱۳۹۳.
- تقی پور بیرگانی، مینا، «تبیین جرم خیانت در امانت با رویکرد دفاتر اسناد رسمی در قوانین موضوعه»، مجله کانون سردفتران، ماهنامه خبری و تحلیلی در زمینه علوم انسانی، نشریه علمی - تخصصی حقوق، سال پنجاه و پنجم، دوره دوم، شماره صد و سی و یک، ۱۳۹۱.
- حسین آبادی، فاطمه، کشمیری، عادل، حسین آبادی، زهرا، «بررسی جعل اسناد امور ثبتی در حقوق کیفری ایران و راه‌های مقابله با آن»، کنفرانس بین‌المللی مدیریت و علوم انسانی، دبی - امارات، ۱۳۹۴.
- دشتی اردکانی، محمدرضا، «لزوم مشورت در تدوین قانون، دیدگاه»، مجله کانون سردفتران، ماهنامه خبری و تحلیلی در زمینه علوم انسانی، نشریه علمی - تخصصی حقوق، سال پنجاه و چهارم، دوره دوم، شماره صد و سی و چهار و صد و سی و پنج، ۱۳۹۱.
- رضایانه، محسن، نقد و بررسی جرایم ثبتی، تهران، انتشارات جنگل، ۱۳۹۱.
- شهری، غلامرضا، حقوق ثبت اسناد و املاک، تهران، انتشارات مرکز جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۹.
- شهیدی، مهدی، «قرارداد تشکیل بیع»، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه بهشتی، شماره ده، ۱۳۷۱.
- شیدائیان، زینب، نادری فرد، مریم، «نقش وکیل در پیشگیری از وقوع جرم»، مجله کانون سردفتران، ماهنامه خبری و تحلیلی در زمینه علوم انسانی، نشریه علمی - تخصصی حقوق، سال پنجاه و پنجم، دوره دوم، شماره صد و سی و چهار و صد و سی و پنج، ۱۳۹۱.
- صفایی، سید حسین، حقوق خانواده، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۴.

- فهیمی، شیما، پلیس محلی و نقش آن در پیشگیری از جرم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، ۱۳۸۹.

- کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، تهران، نشر سهامی انتشار، ۱۳۷۷.

- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، جلد هفتاد و دو، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۶.

- محقق حلی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام، قم، منشورات رضی، ۱۴۰۸.

- محمصانی، صبحی رجب، فلسفه تشریح در اسلام، بیروت، دارالکشاف، ۱۳۷۱.

- مکارم شیرازی، ناصر، قواعد الفقه، تهران، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۲.

- موسوی خمینی، روح الله، تحریرالوسیله، جلد دوم، نجف، مطبعه الآداب، ۱۳۹۰.

- نجفی، محمد حسن، جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام، جلد چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۷.

